

بررسی رابطه همبستگی بین نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی در شرکت‌های فعال در صنعت داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

نویسندگان: دکتر محمدجواد شیخ*^۱ و مهدی دهقان‌هراتی^۲

۱. استادیار دانشگاه شاهد

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

*E-mail: mjsheikh2002@yahoo.com

چکیده

استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری به اطلاعات مالی که بخش عمده آن از طریق تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی پ می‌آید نیازمند هستند. تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی با استفاده از اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها، قدرت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. از جمله ابزارهای تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، استفاده و به کارگیری نسبت‌های مالی حاصله از صورت‌های مالی است.

نسبت‌های جاری و آنی بیشترین کاربرد را در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی دارا می‌باشند که تحلیل‌گران مالی طی سالیان متمادی برای ارزیابی توان نقدینگی شرکت‌ها از آنها استفاده کرده‌اند. لکن این نسبت‌ها دارای ایراداتی می‌باشند که می‌توان به عدم لحاظ کردن ترکیب موجودی کالا، زمان بازپرداخت بدهی‌های شرکت و زمان دریافت مطالبات اشاره نمود. محققان مالی برای رفع این ایرادات شاخص‌های جدیدی ارائه کرده‌اند که شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد از جمله این شاخص‌ها می‌باشند.

بنابراین هدف این پژوهش آزمون رابطه بین شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد با نسبت جاری و همچنین دوره تبدیل وجه نقد با شاخص فراگیر نقدینگی است. در راستای این هدف، به مبنای نظری و ارتباط تئوریک بین نسبت‌های جاری و آنی و نسبت‌های نوین نقدینگی و تحقیقات داخلی و خارجی در این خصوص پرداخته شده است. به منظور آزمون عملی این رابطه کلیه شرکت‌های داروسازی فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که شامل ۲۹ شرکت می‌باشند طی یک دوره پنج ساله (۱۳۸۰-۱۳۸۴) مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین شاخص فراگیر نقدینگی و نسبت جاری همبستگی مثبت و قوی وجود دارد اما بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری همبستگی ضعیف و بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی همبستگی منفی وجود دارد. بنابراین بر اساس نتایج تحقیق به شرکت‌های داروسازی فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد در تجزیه و تحلیل‌های خود شاخص فراگیر نقدینگی را در نظر بگیرند.

کلید واژه‌ها: نقدینگی، نسبت جاری، شاخص فراگیر نقدینگی، دوره تبدیل وجه نقد

مقدمه

استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری به اطلاعات نیازمند هستند که این نوع اطلاعات می‌تواند از طریق صورت‌های مالی که یکی از منابع تامین‌کننده نیازهای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان است برآورده شود. تجزیه و تحلیل‌کنندگان صورت‌های مالی با استفاده از اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها قدرت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند.

نقدینگی هر واحد اقتصادی به‌عنوان یکی از علائم حیات آن بنگاه است. نقدینگی در مقایسه با سودآوری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. زیرا شرکت‌های با سودآوری پایین یا حتی غیرسودآور می‌توانند مدت بیشتری در خدمت اقتصاد قرار گیرند اما شرکت‌های بدون نقدینگی امید به حیات کمتری دارند. توانایی انجام تعهدات کوتاه مدت شرکت را قدرت نقدینگی می‌نامند [۱]. از جمله راه‌های ارزیابی سودآوری و قدرت نقدینگی تجزیه و تحلیل نسبت‌های نقدینگی می‌باشد. این نسبت‌ها توان واحد انتفاعی را برای ایفای تعهدات کوتاه مدت خود از محل دارایی‌های نقدی نشان می‌دهد.

همچنین نسبت‌های مالی از این جهت قابل اهمیت‌اند که اولاً مورد استفاده بخش عظیمی از گروه‌های ذینفع قرار می‌گیرند، ثانیاً، میان جنبه‌های مختلف موقعیت اقتصادی یک واحد تجاری ارتباط برقرار می‌کنند و اطلاعات بهتری را در مقایسه با زمانیکه این جنبه‌ها به طور مجزا گزارش می‌شوند فراهم ساخته و جذابیت بیشتری دارند. ثالثاً امکان مقایسه صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف را افزایش می‌دهند و رابعاً، ابزار مفیدی برای تشخیص مشکلات و کاستیها و نه مشخص‌کننده علت بوجود آمدن مشکلات می‌باشند [۲].

در حقیقت افراد ذینفع شرکت اعم از صاحبان شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و مدیران با استفاده از نسبت‌های مالی می‌توانند دورنمایی از وضعیت آتی شرکت به‌دست آورند تا نسبت به نگهداری یا فروش سهام خود (در مورد سهامداران) و خرید یا

عدم خرید سهام شرکت (در مورد سرمایه‌گذاران) و یا نسبت به دادن اعتبار و یا برگشت سرمایه خود (در مورد اعتبار دهندگان) تصمیمات بهینه اتخاذ نمایند.

طی سالیان متمادی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی و مدیران برای ارزیابی توان نقدینگی شرکت از نسبت‌های نقدینگی استفاده کرده‌اند. لیکن این نسبت‌ها دارای ایراداتی می‌باشند، از جمله اینکه شرکت‌ها برای پرداخت تعهدات جاری قادر نیستند که حساب‌های دریافتنی و یا موجودی‌های کالا را به سرعت به نقد تبدیل کنند [۳]. همچنین عدم لحاظ کردن ترکیب موجودی کالا، زمان بازپرداخت بدهی‌های شرکت و زمان دریافت مطالبات از جمله این ایرادات می‌باشند که محققان مالی برای رفع این ایرادات شاخص‌های نوین نقدینگی از جمله «شاخص فراگیر نقدینگی (Comprehensive Liquidity Index)» را ارائه دادند. در این پژوهش با تأکید بر نسبت‌های نقدینگی (نسبت جاری و دوره تبدیل وجه نقد) برآنیم تا با به‌دست آوردن رابطه همبستگی بین نسبت -های مذکور و شاخص‌های نوین نقدینگی با معرفی نسبت‌های جدید استفاده‌کنندگان را در اخذ تصمیمات بهینه‌تر یاری نماییم.

با توجه به اینکه همبستگی این نسبت‌ها در صنعت غذایی مورد آزمون قرار گرفته بود در این پژوهش صنعت داروسازی جهت بررسی همبستگی این نسبت‌ها انتخاب گردیده است. ضمناً علاوه آزمون همبستگی نسبت‌های سنتی و نوین نقدینگی، همبستگی بین نسبت‌های نوین (شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد) نیز آزمون شده است.

مبانی نظری پژوهش

به رغم شکل‌گیری اندیشه تناسب در علم سده‌های کهن، به کارگیری نسبت‌ها و تعیین روابط و معیاری خاص بین اقلام صورت‌های مالی (اطلاعات حسابداری) تحت عنوان تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، پس از انقلاب صنعتی و در نیمه آخر قرن نوزدهم متداول شده است. قبل از شروع قرن ۱۹، در گزارشگری مالی از قاعده‌ای

در گردش پرداخته‌اند. در این پژوهش نسبت جاری از میان نسبت‌های سنتی نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد از میان نسبت‌های نوین نقدینگی انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

موضوع دوره تبدیل وجه نقد (Cash Conversion Cycle) برای اولین بار توسط در سال ۱۹۷۶ ارائه شد [۶]: ریچارد و لاولین (Richards and Laughlin) در سال ۱۹۸۰ عقیده داشتند که تجزیه و تحلیل دوره تبدیل وجه نقد می‌بایست به‌عنوان مکملی برای تجزیه و تحلیل نقدینگی سنتی (ایستا) استفاده شود زیرا آن دید پویایی را ارائه می‌دهد. آنها این موضوع را که بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت‌های جاری و آنی رابطه معناداری (مثبت) وجود دارد استنتاج کردند. نورگرن (Nordgren) در سال ۱۹۸۱ تجزیه و تحلیل گردش وجوه نقد را بر مبنای دوره تبدیل دارایی و دوره تبدیل بدهی را معرفی نمودند.

امری (Emery) در سال ۱۹۸۴ ویژگی‌هایی را که نیازمند اندازه‌گیری نقدینگی کالا می‌باشد را بررسی و نسبت‌های سنتی را با توجه به این ویژگی‌ها مورد ارزیابی قرار داد.

او همچنین معیار اندازه‌گیری نقدینگی جدیدی را به نام لامبا معرفی نمود. لامبا، نسبتی از گردش وجوه نقد می‌باشد که توسعه منابع شرکت‌ها را جهت پوشش تعهدات نقد بالقوه پوشش می‌دهد [۶].

بلت (Belt) در سال ۱۹۸۵ روندهایی از دوره تبدیل وجه نقد را در خلال سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۵۰ برای شرکت‌های آمریکایی آزمون کرد. او دریافت که شرکت‌های خرده فروش و عمده فروش هر دو دارای دوره تبدیل وجه نقد کوتاهتری نسبت به شرکت‌های تولیدی هستند [۶].

بسلی و میر (Besley, Meyer) در سال ۱۹۸۷ ارتباط بین حساب‌های سرمایه در گردش و دوره تبدیل وجه نقد را مورد ارزیابی قرار دادند.

در سال ۱۹۹۰ سه تن از پژوهشگران (Centry, Vaidyanathan, Lee) دوره تبدیل وجه نقد را

خاص و فراگیر استفاده نمی‌شد و شرکت‌های تجاری فعالیت‌های حسابداری خود را محرمانه تلقی کرده و روش‌های گزارشگری صرفاً برای پاسخ‌گویی به صاحبان شرکت و اعطاکنندگان وام صورت می‌گرفته و از آنجایی که سرمایه‌گذاری از گستردگی عمومی برخوردار نبوده و شرکت‌های سهامی عام شکل نگرفته بودند، لذا در اکثر موارد تامین مالی این شرکت‌های تجاری توسط اشخاصی معدود و بانک‌ها صورت می‌گرفت. نگهداری دفاتر و گزارشهای حسابداری به قصد استفاده مدیریت شرکت و اعطاکنندگان وام و بانک‌ها تهیه می‌شده است. بانک‌ها و اعطاکنندگان اعتبار در وهله اول بر جریانات نقدی و توانایی شرکت در پرداخت بدهی‌هایشان علاقه مند بودند. این امر باعث شده بود تا رویکرد تجزیه و تحلیل نسبت‌ها جهت اعطای اعتبار از توسعه بیشتری به ویژه در کشور آمریکا برخوردار شود. تقریباً در دهه ۱۸۷۰ تا دهه ۱۸۹۰، تفکیک اقلام جاری و غیرجاری شروع و بررسی روابط بین اقلام مختلف داده‌ها متداول شد و در سال‌های آخر دهه ۱۸۹۰، روند مقایسه دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری شکل گرفت. هر چند که در دهه ۱۸۹۰ تعدادی نسبت‌های مالی محاسبه و مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی نسبت جاری اهمیتی بیشتر و تأثیری طولانی روی تحلیل صورت‌های مالی نسبت به بقیه نسبت‌ها داشت. در حقیقت، استفاده از نسبت‌ها در تحلیل صورت‌های مالی با نسبت جاری آغاز شد [۴].

در دهه ۷۰ بود که پژوهشگران مالی درصدد برآمدند تا ایرادات نسبت‌های مالی سنتی را برطرف نمایند. شاید بتوان گفت ملیک و بیراتی (Melnyk and Birati) در سال ۱۹۷۴ برای اولین بار نسبت‌های مالی نوین نقدینگی را به تحلیل‌گران مالی معرفی نمودند. این پژوهشگران شاخص فراگیر نقدینگی را که در واقع از تعدیل اقلام تشکیل‌دهنده نسبت جاری به دست می‌آید معرفی کردند.

دکتر کاستا، استاد دانشگاه کالیفرنیا در سال ۲۰۰۱ طی پژوهشی [۵] به مقایسه قابلیت نسبت‌های سنتی نقدینگی و نسبت‌های نوین نقدینگی در ارزیابی سرمایه

توسعه دادند و دوره تبدیل وجه نقد موزون (Weighted Cash Conversion Cycle) را معرفی نمودند.

در نتیجه این مطالعات مشخص گردید که دوره تبدیل وجه نقد موزون و دوره تبدیل وجه نقد مستقیماً قابل مقایسه نیستند، دوره تبدیل وجه نقد موزون حساسیت بالایی نسبت به میزان پرداختها داشت. آنها نتیجه گرفتند که دوره تبدیل وجه نقد موزون به اندازه‌گیری بهتر نقدینگی کمک می‌کند.[۶].

در سال ۱۹۹۳، مک کارتی و لی یودی (Mc Carty and Ly Youdi) ارتباط بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری و سریع را برای شرکت‌های کوچک در خلال سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۴ مورد بررسی قرار دادند. این نتایج نشان داد که دوره تبدیل وجه نقد با نسبت جاری دارای همبستگی منفی است اما بین نسبت سریع و دوره تبدیل حساب‌های دریافتی رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین این نتایج نشان داد که تفاوت بین مفهوم CCC در تولید، خرده فروشی و عمده فروشی زیاد می‌باشد.[۶].

اسچیلینگ (Schilling) نیز از جمله پژوهشگرانی بود که در سال ۱۹۹۶ ثابت کرد که دوره تبدیل وجه نقد یکی از تکنیک‌های ارزیابی سرمایه در گردش می‌باشد که موقعیت نقدینگی میانگین شرکت‌ها را تشریح می‌کند.[۶].

گالینگر (Gallinger) نیز در سال ۱۹۹۷ ضمن انجام پژوهش‌هایی در زمینه نسبت‌های نوین نقدینگی، پیشنهاد کرد که دوره تبدیل وجه نقد را جایگزین اندازه‌گیریهای نقدینگی سنتی را کنند.

جهانخانی و طالبی طی مقاله‌ای معیارهای نوین نقدینگی، انواع و روش‌های محاسبه، مزایا و معایب نسبت‌های نوین در مقایسه با نسبت‌های سنتی نقدینگی را معرفی نموده‌اند.[۱].

آقایان بهرامفر، مهرانی و غیور به بررسی ارتباط بین نسبت‌های نقدینگی سنتی (تعهدی) و نسبت‌های مالی حاصل از صورت جریان وجوه نقد (نسبت‌های مخارج سرمایه‌ای) را مورد بررسی قرار داده‌اند[۷]. نتایج

پژوهش بیانگر آنست که بین نسبت‌های نقدینگی سنتی (تعهدی) و مخارج سرمایه‌ای، همبستگی معناداری وجود ندارد و ارائه آن‌ها در کنار یکدیگر، تصویری روشن‌تر از برقراری فرض تداوم فعالیت یک واحد تجاری ارائه می‌کنند.

همچنین خوش طینت و نمازی در مقاله‌ای همبستگی بین نسبت‌های مالی سنتی و نوین نقدینگی در شرکت‌های فعال سازمان بورس اوراق بهادار در صنعت غذایی در خلال سال‌های ۸۱-۱۳۷۷ را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که [۸]:

۱. بین نسبت جاری و نسبت فراگیر نقدینگی همبستگی کاملاً مثبت و قوی وجود دارد.
۲. بین نسبت آنی و فراگیر نقدینگی همبستگی مثبت و کاملاً قوی وجود دارد.
۳. مانده نقدی خالص با نسبت جاری و نسبت آنی دارای همبستگی مثبت می‌باشد.
۴. دوره تبدیل وجه نقد با دو نسبت جاری و آنی دارای همبستگی مثبت می‌باشد.

در این پژوهش برآینم تا قدرت نقدینگی شرکت را به دو روش نسبت‌های سنتی (محاسبه نسبت جاری) از یک طرف و شاخص‌های نوین نقدینگی (شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد) از طرف دیگر محاسبه و با بررسی رابطه همبستگی بین آنها، تأثیر تعدیلات بکار رفته در دارایی‌ها و بدهی‌ها را بر شاخص‌های جدید ارزیابی نموده و بتوانیم با ارائه شاخص‌های نوین نقدینگی به استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان، آنها را در اخذ تصمیمات بهینه یاری نماییم.

همچنین با محاسبه شاخص‌های جدید می‌توان به این نتیجه رسید که آیا این شاخص‌ها اعداد و ارقامی متفاوت با قبل و یا هم جهت و هم سو با نسبت‌های سنتی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند.

با عنایت به مطالب ذکر شده اهداف پژوهش را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

۱. بررسی رابطه همبستگی بین نسبت‌های نوین نقدینگی و نسبت‌های سنتی

۳. بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی همبستگی مثبت وجود دارد.

روشن شناسی پژوهش

متغیرهای پژوهش و روش اندازه گیری

با توجه به فرضیه های پژوهش متغیرها شامل نسبت جاری، شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد می باشند که عبارتند از:

نسبت جاری: از تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری به دست می آید.

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارایی های جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$$

شاخص فراگیر نقدینگی: این شاخص با محاسبه میانگین وزنی نسبت جاری، مشکل مربوط به در نظر نگرفتن درجه نقدینگی دارایی های جاری و زمان بازپرداخت بدهی های جاری را مرتفع می کند.

جزئیات این مدل به شرح زیر می باشد [۹]:

۱. برای هر یک از دارایی های جاری با توجه به درجه نقدینگی آنها وزن معینی اختصاص داده می شود و مبلغ تعدیل شده شان محاسبه میشود، وزن هر دارایی عبارتست از: (معکوس گردش هر دارایی - ۱)

۲. وجه نقد به دلیل اینکه ماهیتاً نقد است ضریب یک داده می شود و احتیاج به وزن ندارد.

۳. چون مطالبات شرکت، برای تبدیل به نقد شدن یک مرحله عقب تر می باشد به شرح زیر تعدیل می شود:

AR = R * [1 - (1/TR)]
TR = TCS/R

که در آن:

AR: حساب های دریافتنی تعدیل شده

TR: گردش حساب های دریافتنی

R: مانده حساب های دریافتنی

TCS: فروش نسیه طی سال

۲. ارزیابی تعدیلات اعمال شده در نسبت های نوین نقدینگی از طریق بررسی همبستگی این نسبت ها با نسبت های سنتی.

۳. کمک به سرمایه گذاران، صاحبان شرکت، اعتبار دهندگان مالی و بستانکاران در جهت تعیین ارزش شرکت با استفاده از پیش بینی وضعیت نقدینگی. (می توان گفت با توجه به رفع ایرادات نسبت های سنتی، در صورت وجود همبستگی بین این نسبت ها، استفاده از این شاخص ها اطلاعات بهتری را در تجزیه و تحلیل ها از لحاظ وضعیت نقدینگی ارائه خواهد کرد).

۴. کمک به مدیران در جهت انجام وظایف خود از طریق پیش بینی وضعیت نقدینگی شرکت و همچنین اخذ تصمیمات مناسب.

۵. ارائه و معرفی نسبت های مالی موثر و مناسب در ارزیابی نقدینگی شرکت ها.

به دلیل اهمیت نسبت جاری در ارزیابی نقدینگی شرکت ها، در این پژوهش سعی شده است که با اطلاعات موجود در صورت های مالی و یادداشت های همراه شرکت های داروسازی فعال در بورس اوراق بهادار تهران نسبت جاری به روش سنتی محاسبه و سپس نسبت جاری و دوره تبدیل وجه نقد با اعمال تعدیلات لازم محاسبه و رابطه همبستگی بین آنها مورد بررسی قرار گیرد.

حساسیت وضعیت نقدینگی و گردش کوتاه عملیات از یک طرف و حذف تأثیرات استفاده از شرکت های مختلف فعال در صنعت های مختلف از جمله دلایل انتخاب شرکت های صنعت داروسازی فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

فرضیه های پژوهش:

۱. بین شاخص فراگیر نقدینگی و نسبت جاری همبستگی مثبت وجود دارد.

۲. بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری همبستگی مثبت وجود دارد.

دوره تبدیل وجه نقد (CCC): دوره زمانی خالص بین پرداخت بدهی‌ها و دریافت وجه نقد از محل وصولی مطالبات می‌باشد. فرمول محاسبه دوره تبدیل وجه نقد به شرح زیر می‌باشد:

$$CC = OC - PP$$

که در آن:

CC: دوره تبدیل وجه نقد

PP: دوره تأخیر در پرداخت حساب‌های پرداختی

OC: دوره عملیات

دوره عملیات به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$OC = INPV + RP$$

$$INVP = 365 / TINV$$

که در آن:

RP: دوره وصول مطالبات

TINV: گردش موجودی کالا

INVP: دوره نگهداری موجودی کالا

دوره تأخیر حساب‌های پرداختی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$PP = PA / DCOGS$$

که در آن:

PP: دوره تأخیر در حساب‌های پرداختی

PA: مانده حساب‌های پرداختی

DCOGS: قیمت تمام شده کالای فروش رفته روزانه (COGS/360) می‌باشد.

قلمرو و نوع پژوهش

این پژوهش از نوع میدانی در حوزه پژوهش‌های توصیفی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌هاست.

قلمرو پژوهش از سه بخش مکانی، زمانی و موضوعی به شرح زیر می‌باشد:

مکانی: تمامی شرکت‌های صنعت داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل می‌شود که از جمله مهم‌ترین دلایل انتخاب این شرکت‌ها، چرخه عملیات سریع در این شرکت‌ها می‌باشد.

۴. موجودی کالا به دلیل اینکه باید ابتدا تبدیل به حساب‌های دریافتی و سپس تبدیل به وجه نقد شوند به شرح زیر تعدیل می‌شوند:

$$AINV = INV * [1 - (1/TR) - (1/TINV)]$$

$$TINV = (COGS \text{ یا } S) / INV$$

که در آن:

AINV: موجودی کالای تعدیل شده

TINV: گردش موجودی کالا

COGS: قیمت تمام شده کالای فروش رفته

INV: مانده موجودی کالا

S: فروش

۵. برای هریک از بدهی‌های جاری ضریب تعدیل محاسبه و مبلغ تعدیل شده شان محاسبه می‌شود.

تعدیل حساب‌های پرداختی به شرح زیر می‌باشد:

$$APA = PA * [1 - (1/TPA)]$$

$$TPA = PUR / PA$$

که در آن:

APA: حساب‌های پرداختی تعدیل شده

PA: مانده حساب‌های پرداختی

TPA: گردش حساب‌های پرداختی

PUR: کل خرید دوره

حساب‌های مربوط به پیش پرداختها و سفارشات مواد و کالا به‌دلیلی اینکه اکثراً بابت خرید مواد اولیه و موجودی کالا می‌باشند همانند موجودی کالا تعدیل خواهند شد. در صورتیکه محاسبه گردش برای قلمی از اقلام تشکیل دهنده دارایی‌های جاری و یا بدهی‌های جاری مقدور نباشد (همانند طلب از شرکت‌های وابسته) مبلغ بدون تعدیل در محاسبه منظور خواهد شد. بدیهی است با توجه به ناچیز بودن مبلغ این حساب‌ها در مقابل سایر دارایی‌های جاری خدشه‌ای در نسبت وارد نخواهد شد. [۲].

پس از انجام تعدیلات مشروحه فوق، شاخص فراگیر نقدینگی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$ACR = ACA / ACL$$

ACR: شاخص فراگیر نقدینگی

ACL: بدهی جاری تعدیل شده

ACA: دارایی جاری تعدیل شده

آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد لذا دو عامل فوق تأثیری بر نتایج پژوهش نخواهد داشت.

با عنایت به مطالب فوق، ۲۹ شرکت فعال در صنعت داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب و اطلاعات صورت‌های مالی دوره پنج ساله آنها (سال ۱۳۸۴-۱۳۸۰) جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول پیوست ۱، لیست شرکت‌های منتخب، تاریخ تاسیس، تاریخ ورود به بورس و اوراق بهادار و تاریخ سال مالی آنها را نشان می‌دهد.

معیارهای نوین نقدینگی

ایراد اصلی معیارهای سنتی اندازه‌گیری نقدینگی شرکت‌ها این بود که درخصوص دارایی‌های جاری درجات قابلیت نقد شدن و درخصوص بدهی‌های جاری سرعت باز پرداخت بدهی‌ها مدنظر قرار نمی‌گرفت. برای رفع این ایراد می‌توانیم تعیین وضعیت نقدینگی شرکت را به جای اینکه متکی به یک شاخص کنیم به وسیله مجموعه‌ای از شاخص‌ها که به هم مرتبط هستند اندازه‌گیری کنیم این نحوه اندازه‌گیری را، معیارهای مرتبط نام گذاری می‌کنیم و جزئیات آن به شرح زیر است:

نسبت جاری را به عنوان معیار اصلی نقدینگی در نظر می‌گیریم.

برای تعیین قابلیت نقد شدن مطالبات، دوره وصول مطالبات را محاسبه می‌کنیم.

برای تعیین قابلیت نقد شدن موجودی کالا دوره نگهداری موجودی کالا را محاسبه می‌کنیم.

برای تعیین زمان بازپرداخت بدهی‌های جاری دوره حساب‌های پرداختی را محاسبه می‌کنیم.

معیارهای نوین نقدینگی و نحوه محاسبه هریک در جدول ۱ ارائه شده است.

در این پژوهش نسبت جاری بعلت کاربرد فراوان توسط استفاده‌کننده گان و تصمیم‌گیرندگان از میان نسبت‌های سنتی و شاخص فراگیر نقدینگی با توجه به اینکه پس از انجام تعدیلاتی در نسبت جاری مورد

زمانی: همان‌طوری که ذکر شد قلمرو زمانی اطلاعات مربوط به شرکت‌های منتخب در یک دوره پنج ساله از سال ۱۳۸۴-۱۳۸۰ را در بر گیرد.

موضوعی: قلمرو موضوعی این پژوهش شامل مطالعه مبانی نظری و ادبیات پژوهش، براساس پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی از یک طرف و تجزیه و تحلیل نسبت‌های محاسبه شده براساس اطلاعات مالی واقعی منتشره توسط بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS می‌باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری که براساس قلمرو پژوهش تعیین گردیده است شامل کلیه شرکت‌های صنعت داروسازی پذیرفته شده و فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دلایل انتخاب این شرکت‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

به دلیل اهمیت نقدینگی و همچنین توجه به چرخه نقد شدن اقلامی از دارایی‌های جاری همچون حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، شرکت‌هایی مدنظر بودند که دوره گردش عملیات کوتاه‌تری داشته باشند. در این صنعت به دلیل وجود کالاهای فاسد شدنی و دارای تاریخ مصرف معین، موجودیهای کالا عموماً فاقد اقلام بدون گردش هستند. به عبارتی چرخه عملیات سریع و دارای عمر کوتاه‌تری هستند.

با عنایت به این مطلب که شرکت‌های مختلف پذیرفته شده و فعال در بورس اوراق بهادار (از صنایع گوناگون) دارای وضعیتهای نقدینگی متفاوتی می‌باشند، با انتخاب یک صنعت خاص می‌توانیم به نتیجه قابل قبول و رضایت بخش تری دست می‌یابیم.

موارد مشروحه ذیل در انتخاب جامعه آماری در نظر گرفته نشده است:

- تاریخ ورود شرکت‌ها به بورس اوراق بهادار تهران
- تاریخ سال مالی شرکت

با توجه به اینکه نسبت‌های هر سال مالی یا نسبت‌های نوین متناظر با همان سال مقایسه و همبستگی

جدول ۱: معیارهای نوین نقدینگی

عنوان	تعریف	نحوه اندازه گیری	متغیرها
شاخص فراگیر نقدینگی	این شاخص با محاسبه میانگین وزنی نسبت جاری، مشکل مربوط به در نظر نگرفتن درجه نقدینگی دارایی‌های جاری و زمان بازپرداخت بدهی‌های جاری را مرتفع می‌کند.	$ACR = ACA / ACL$	ACR: شاخص فراگیر نقدینگی ACL: بدهی جاری تعدیل شده ACA: دارایی جاری تعدیل شده
دوره تبدیل وجه نقد	دوره زمانی خالص بین پرداخت بدهی‌ها و دریافت وجه نقد از محل وصولی مطالبات می‌باشد	$CC = OC - PP$	CC: دوره تبدیل وجه نقد OC: دوره عملیات PP: دوره تأخیر در پرداخت حساب‌های پرداختی
مانده نقدی خالص [۱۰]	در این شاخص برای نشان دادن وضعیت نقدینگی شرکت به مانده وجه نقد و اوراق بهادار توجه می‌شود	$NLB = (Cash + MKT - AP) / TA$	NLP: مانده نقدی خالص MKT: اوراق بهادار قابل فروش TA: کل دارایی‌ها AP: اسناد پرداختی CASH: وجه نقد
روش تطبیق سررسید بدهی‌های جاری و مطالبات	در این روش برای پی‌بردن به این‌که تا چه حد وجوهی که از محل مطالبات جمع‌آوری می‌شود پاسخگوی تعهدات و بدهی‌های جاری است، دوره مطالبات و دوره بدهی‌های جاری محاسبه و مقایسه می‌شود	$MM = (CLP * DS) / (RP * DP)$	MM: شاخص تطبیق سررسید RP: دوره وصول مطالبات CLP: دوره پرداخت بدهی‌های جاری DP: متوسط پرداخت روزانه (TP/360) DS: متوسط فروش روزانه (S/360)
روش لامبا برای محاسبه نقدینگی [۱۰]	این روش از جمله روش‌هایی است که در اندازه‌گیری قدرت نقدینگی شرکت‌ها به جریان‌های نقدی آتی و همچنین عدم اطمینان در جریان نقدی عملیاتی ورودی و خروجی توجه دارد.	$Lambda = [FRS + E(NCF)] / SNCF$	FRS (ذخیره اولیه): وجه نقد بعلاوه اوراق بهادار قابل معامله، به علاوه اعتبار در حساب جاری E(NCF): جریان نقدی خالص مورد انتظار SNCF: عدم اطمینان یا پراکندگی جریان‌های نقدی (انحراف معیار)
شاخص دوره تبدیل وجه نقد موزون (Weighted Cash Conversion Cycle)	اندازه‌گیری وزنی روزهایی که وجوه نقد به صورت دریافتیها، موجودی و پرداختیها محدود شده اند	$WCCC = WOC - PT(DAPT)$	WCCC: دوره تبدیل وجه نقد موزون WOC: دوره تعدیل شده عملیات PT: وزن حساب‌های پرداختی
نسبت گردش نقدی (Cash Flow Ratio) [۱۲]	به منظور پویا کردن نسبت نقدینگی، بسیاری براین عقیده‌اند که در محاسبه نسبت جاری، به‌جای دارایی جاری می‌باید از گردش نقدی حاصل از عملیات واحد تجاری استفاده کرد	$\frac{\text{گردش نقدی حاصل از عملیات بدهی‌های جاری}}{\text{نسبت جاری}}$	منظور از گردش نقدی، تفاضل دریافت‌ها و پرداختیهای نقدی می‌باشد

جدول ۲: همبستگی متغیر X و Y و Z سال‌های ۸۴-۱۳۸۰

۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۰/۸۲	۰/۴۹	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۱۴	شاخص فراگیر نقدینگی / نسبت جاری
۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۵۳	دوره تبدیل وجه نقد / نسبت جاری
-۰/۱۹	-۰/۲۹	-۰/۳۶	-۰/۸۳	۰/۶۲	دوره تبدیل وجه نقد / شاخص فراگیر نقدینگی

جدول ۳: همبستگی متغیر X و Y و Z سال‌های ۸۴-۱۳۸۰ شرکت‌های منتخب

۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۰/۸۵۳	۰/۹۲۱	۰/۶۹۹	۰/۰۴	۰/۴۸۱	شاخص فراگیر نقدینگی / نسبت جاری
۰/۲۸۵	۰/۲۳۹	۰/۵۱۱	۰/۳۳۱	۰/۳۷۵	دوره تبدیل / نسبت جاری
-۰/۱۷	-۰/۰۳	-۰/۱۷	-۰/۸۴	۰-۰/۵۹	دوره تبدیل / شاخص فراگیر نقدینگی

جدول ۴: میزان انحراف شاخص فراگیر نقدینگی از نسبت جاری

۰/۷ تا -۰/۷	۰/۶ تا -۰/۷	۰/۵ تا -۰/۶	۰/۴ تا -۰/۵	۰/۳ تا -۰/۴	۰/۲ تا -۰/۳	۰/۱ تا -۰/۲	۰ تا -۰/۱
٪۳۱	٪۱۳	٪۱۶	٪۱۷	٪۱۰	٪۴	٪۶/۳	٪۲/۷

و قوی وجود دارد. اما بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری همبستگی مثبت و ضعیف و بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی همبستگی منفی وجود دارد.

علی‌رغم نتایج به دست آمده قبلی، سعی شده است که از میان جامعه آماری، شرکت‌هایی را که از نظر فعالیت همگن بوده‌اند انتخاب و مجدداً فرضیات را مورد آزمون قرار گیرد. نتایج به دست آمده در جدول ۳ مشاهده می‌شود:

پس از اینکه رابطه همبستگی در شرکت‌های همگن مورد بررسی قرار گرفت مشخص گردید که رابطه همبستگی نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی در این شرکت‌ها قوی‌تر از رابطه همبستگی این دو نسبت در کلیه شرکت‌ها بوده است. همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین شاخص فراگیر نقدینگی و نسبت جاری همبستگی مثبت و قوی وجود دارد. اما بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری همبستگی ضعیف و بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی همبستگی منفی وجود دارد.

محاسبه قرار می‌گیرد، انتخاب گردیده است تا همبستگی آن با نسبت جاری مورد بررسی قرار گیرد و در صورتی که بین آنها همبستگی وجود داشته باشد شاخص فراگیر نقدینگی به‌عنوان شاخص مناسب‌تری جهت تعیین وضعیت نقدینگی شرکت معرفی گردد. از میان سایر شاخص‌های نوین، به دلیل اینکه دسترسی به کلیه اطلاعات لازم جهت محاسبه آنها امکان پذیر نبوده است دوره تبدیل وجه نقد انتخاب و همبستگی آن با نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی مورد بررسی قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های آماری

با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر مبنای تحقیقات همبستگی است از تجزیه و تحلیل‌های همبستگی استفاده خواهد شد. پس از محاسبه متغیرهای پژوهش، همبستگی میان آنها از طریق محاسبه ضریب همبستگی پیرسون (با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS) مورد آزمون قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده در خصوص رابطه همبستگی بین متغیرها در جدول ۲ مشاهده می‌گردد.

یافته‌های آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین شاخص فراگیر نقدینگی و نسبت جاری همبستگی مثبت

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده از بررسی رابطه همبستگی بین متغیرها عبارتند از:

۱. بین شاخص فراگیر نقدینگی و نسبت جاری همبستگی مثبت و قوی وجود دارد.

۲. بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری همبستگی مثبت وضعیف می‌باشد.

۳. بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی همبستگی منفی وجود دارد.

با مقایسه نتایج پژوهش با پژوهش خوش‌طینت و نمازی مشاهده می‌شود که در هر دو پژوهش رابطه بین نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی کاملاً مثبت و قوی و رابطه بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری در هر دو پژوهش مثبت و وضعیف بوده است. ضمناً رابطه بین دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی در این پژوهش منفی بوده است که این رابطه در پژوهش خوش‌طینت و نمازی مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱- با توجه به اینکه اقلام تشکیل دهنده اولیه نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی یکسان هستند (دارایی‌های جاری و بدهی‌های جاری) انتظار می‌رفت که بین این دو نسبت همبستگی نسبتاً بالایی وجود داشته باشد. علی‌رغم این موضوع با توجه به جدول شماره ۲ مشاهده گردید که بین این دو نسبت در سال‌های ۸۲-۸۰ همبستگی وضعیفی وجود دارد و در سال ۸۳ و ۸۴ این دو نسبت دارای همبستگی مثبت ۰/۴۹ و ۰/۸۲ می‌باشند.

با توجه به این موضوع که شاخص فراگیر نقدینگی با انجام تعدیلاتی بر روی اقلام تشکیل دهنده دارایی‌های جاری و بدهی‌های جاری محاسبه می‌شود و همچنین با توجه به اینکه نسبت جاری نیز از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری محاسبه می‌شود انتظار داشتیم که این دو کاملاً همسو و هم جهت بوده و دارای همبستگی بالایی باشند اما پس از محاسبه ضریب همبستگی مشاهده شد که این دو نسبت در هیچ یک از سال‌ها دارای همبستگی یک نمی‌باشند. (یکی از دلایل عدم همبستگی کامل را می‌توان اعمال تعدیلات لازم در

متغیرهای نسبت جاری جهت محاسبه شاخص فراگیر نقدینگی ذکر کرد) بنابراین در صورت کاهش و یا افزایش نسبت جاری، شاخص فراگیر نقدینگی به همان میزان افزایش و یا کاهش خواهد یافت و برعکس.

جهت دستیابی به نتایج صحیح‌تر با حذف شرکت‌های ناهمگن از جامعه آماری نتایج به دست آمده را در جدول ۳ ارائه داده ایم. همان‌طوری که مشاهده می‌شود دو نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی از همبستگی کامل برخوردار می‌باشند.

در جدول ۴ میزان انحراف شاخص فراگیر نقدینگی از نسبت جاری ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌گردد که در حدود ۳۱٪ انحرافات بین نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی ۰/۷ به بالا می‌باشد. ضمن بیان این موضوع مشاهده شد که تنها در ۳ مورد از ۱۵۰ مورد نسبت محاسبه شده، شاخص فراگیر نقدینگی در مقایسه با نسبت جاری افزایش یافته است و در بقیه موارد این نسبت کاهش داشته است. محققان مالی با ارائه شاخص‌های جدید (که در این شاخص‌ها ایرادات مربوط به نسبت‌های سنتی با انجام تعدیلات لازم رفع گردیده است و به لحاظ نظری با توجه به عدم وجود ایرادات قبلی می‌تواند نتایج بهتری را ارائه دهد) معیار مناسبتری جهت استفاده تصمیم‌گیرندگان ارائه نموده‌اند. لذا با توجه به نتایج به دست آمده و با در نظر گرفتن اینکه به لحاظ تئوریک شاخص فراگیر نقدینگی برای نشان دادن وضعیت نقدینگی بهتر می‌باشد بهتر است از این نسبت برای تجزیه و تحلیل وضعیت نقدینگی استفاده شود.

۲- در دو فرضیه دیگر رابطه همبستگی بین نسبت جاری و دوره تبدیل وجه نقد از یک طرف و شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد از طرف دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. انتظار می‌رفت که همبستگی دوره تبدیل وجه نقد با نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی منفی باشد. دلیل این نتیجه‌گیری را می‌توان بدین صورت بیان کرد که:

۱- اقلامی که در محاسبه این نسبت‌ها بکار رفته‌اند مشابه نیستند.

وضعیت نقدینگی در اختیار تجزیه و تحلیل گران قرار می‌دهد.

۱- با توجه به اینکه ایرادات موجود در نسبت‌های سنتی نقدینگی، در نسبت‌های نوین نقدینگی مرتفع شده است (لحاظ نمودن ترکیب موجودی کالا، در نظر گرفتن زمان بازپرداخت بدهی‌ها و زمان دریافت مطالبات) پیشنهاد می‌گردد که تصمیم‌گیرندگان جهت تصمیم‌گیری صحیح از نسبت‌های نوین نقدینگی علی‌الخصوص شاخص فراگیر نقدینگی استفاده نمایند.

۲- تحلیل گران مالی می‌توانند جهت تجزیه و تحلیل‌های صحیح در مورد وضعیت نقدینگی شرکت‌ها، هر دو گروه نسبت‌های مالی (سنتی و نوین) را محاسبه و به صورت مقایسه‌ای به تجزیه و تحلیل بپردازند.

پیشنهادات

۱. با توجه به اینکه نسبت‌های نوین نقدینگی تاکنون در دو صنعت متفاوت (آقای زهیر نمازی در پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان همبستگی نسبت‌های سنتی و نوین نقدینگی، رابطه همبستگی نسبت‌های نوین و سنتی را در صنعت غذایی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر رابطه همبستگی نسبت جاری با شاخص فراگیر نقدینگی و دوره تبدیل وجه نقد در صنعت داروسازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند پیشنهاد می‌شود که این نسبت‌ها در سایر صناعت‌ها به صورت جداگانه و همچنین در کل شرکت‌های (با نمونه‌گیری) مختلف محاسبه و رابطه همبستگی آنها مشخص گردد.

۲. پیشنهاد می‌گردد که پژوهشی مبنی بر مقایسه نسبت جاری و دوره تبدیل وجه نقد در ارزیابی سرمایه در گردش صورت پذیرد.

۳. پیشنهاد می‌گردد که قدرت نقدینگی با استفاده از نسبت‌های نوین نقدینگی و نسبت‌های جریان وجوه نقد محاسبه و همبستگی آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۲- نسبت جاری و شاخص فراگیر نقدینگی هرچه بزرگتر باشند وضعیت نقدینگی بهتری را نشان می‌دهند در صورتی که دوره تبدیل وجه نقد هر چه کمتر باشد وضعیت نقدینگی بهتری را نشان می‌دهد.

محاسبات و تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که رابطه همبستگی دوره تبدیل وجه نقد و شاخص فراگیر نقدینگی (جدول ۳-۲) منفی است و بنابراین انتظاری که در این مورد داشتیم برآورده گردید اما نتایج همبستگی بین دوره تبدیل وجه نقد و نسبت جاری، متفاوت بود و همبستگی مثبت بود.

برای محاسبه دوره تبدیل وجه نقد، دوره تأخیر در پرداخت حساب‌های پرداختی از دوره عملیات کسر می‌گردد. لذا هر چه دوره تأخیر در پرداخت حساب‌های پرداختی طولانی‌تر باشد. دوره تبدیل وجه نقد کوتاه‌تر و لذا وضعیت نقدینگی مناسب‌تر می‌باشد.

از طرف دیگر تأخیر در پرداخت حساب‌های پرداختی خود نشان‌دهنده وضعیت نقدینگی نامناسب می‌باشد. لذا زمانی می‌توان نتیجه مناسب اتخاذ نمود که این معیار (دوره تأخیر در حساب‌های پرداختی) را در محاسبه دوره تبدیل وجه نقد بکار ببریم.

اما در بکار بردن دوره تبدیل وجه نقد، نکته قابل توجه اینست که صنعت موردنظر بایستی همگن باشد. اگر در صنعتی شرکت‌ها از لحاظ عملیات مشابه یکدیگر باشند می‌توان از دوره تبدیل وجه نقد جهت اتخاذ تصمیم مناسب استفاده نمود.

اما در این پژوهش علی‌رغم اینکه کلیه شرکت‌های منتخب از صنعت داروسازی هستند از لحاظ عملیات همگن نیستند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این معیار در این صنعت جهت تصمیم‌گیری در مورد وضعیت نقدینگی مناسب نمی‌باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی، باتوجه به رفع ایرادات نسبت جاری (عدم لحاظ کردن ترکیب موجودی کالا، زمان بازپرداخت بدهی‌های شرکت و زمان دریافت مطالبات) می‌توان گفت که شاخص فراگیر نقدینگی در مقایسه با نسبت جاری نتایج مطلوب‌تری را در مورد

۳. محدودیت صنعت: نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر محدود به صنعت داروسازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد لذا این نتایج قابل تعمیم به سایر شرکت‌های فعال در بورس و یا شرکت‌های خارج از بورس نمی‌باشد.

۴. پیشنهاد می‌گردد که تجزیه و تحلیل نقدینگی با استفاده از چرخه دوره تبدیل وجه نقد در پژوهشی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۵. پیشنهاد می‌گردد که محافل حرفه‌ای حسابداری، رهنمودهایی را جهت استفاده از نسبت‌های نوین نقدینگی ارائه نمایند تا استفاده کنندگان بتوانند ضمن آشنایی با این نسبت‌ها، با به کارگیری آنها تصمیمات صحیح‌تری اتخاذ نمایند.

۶. پیشنهاد می‌گردد که مراجع تعیین‌کننده سرفصل‌های دروس دانشگاهی، نسبت‌های نوین نقدینگی و جریان وجه نقد را به‌عنوان یکی از سرفصل‌های دروس دانشگاهی در رشته حسابداری و مدیریت مالی ارائه، تا دانشجویان ضمن آشنایی با این نسبت‌ها بتوانند آنها را در تجزیه و تحلیل وضعیت شرکت‌ها بکار گیرند.

در این پژوهش اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه نسبت‌های مالی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و انجام آزمون‌های آماری در این پژوهش با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و DVD منتشره توسط آن سازمان تهیه شده است.

در تحلیل و استفاده از یافته‌های پژوهش باید محدودیت‌های زیر را در نظر داشت:

۱. محدودیت در اطلاعات: با توجه به اینکه دسترسی به اطلاعات از طریق شرکت‌ها وجود نداشته، لذا کلیه اطلاعات مورد لزوم از طریق بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شده است و به همان اطلاعات اکتفا گردیده است.

۲. محدودیت زمانی: در صورتی که محدوده زمانی پژوهش به صورت تصادفی انتخاب می‌گردید و یا دوره زمانی طولانی‌تری منظور می‌شد دسترسی به اطلاعات مورد نیاز مقدور نبود لذا محدوده زمانی سال‌های ۸۴-۱۳۸۰ انتخاب و نتایج پژوهش قابل تعمیم به دوره‌های قبل و بعد از آن نمی‌باشد.

منابع

6. Lyroudi , Katerina , Lazaridis , John , The Cash Conversion Cycle and Liquidity Analysis of the Food Industry in Greece. June , 26 th 2000.
7. بهرامفر، نقی، ساسان مهرانی و فرزاد غیور، بررسی رابطه بین نسبت‌های نقدینگی سنتی و نسبت‌های حاصل از صورت جریان وجوه نقد جهت ارزیابی تداوم فعالیت شرکت‌ها، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴، تابستان ۸۴.
8. خوش‌طینت، محسن، و زهیر نمازی، همبستگی شاخص‌های نقدینگی و شاخص‌های نوین نقدینگی، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۷، ص ۷۵-۵۵.
9. L.Z.Melynk and Birati , A Comperhensive Liquidity Index as an Measure Corporate Liquidity. Scientifice and Behaviorial Foundation of Dicision Sciences, 1974.
10. J. Shulman and R.Cox, An Intergratie Approach to Working Capital Management. Joural of Cash Management. (Nov & Dec, 1985)
11. G.Emery, Measaring Short Term Liquidity, Journal of Cash Management, (July, August 1984), pp,25-32.
12. اکبری، فضل‌اله. تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، نشریه ۱۳۹.
۱. جهانخانی، علی و محمد طالبی. بررسی و نقد انواع شاخص‌های نقدینگی شرکت‌ها. تحقیقات مالی، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴.
۲. نمازی، زهیر. همبستگی شاخص‌های سنتی نقدینگی و شاخص‌های نوین نقدینگی. پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۱۳۸۲.
3. Kleiman.Robert, Liquidity Measures: New Development Alleviate Old Deficiencies. oct , 1992.
۴. به آیین، یعقوب. سیری در تاریخچه تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی. روزنامه دنیای اقتصاد، سال چهارم، شماره ۱۱۱۳ و ۱۱۱۲.
5. Costa , John , A Comparison of the Current ratio and the Cash Conversion Cycle in Evaluating Working Capital Cash Flow, Colifornia Coast University , 2001.

